

تحلیل انتقادی تفاسیر فمینیستی از مفهوم «ضرب» در آیه ۳۴ سوره نساء با تأکید بر رساله بدیعه (مطالعه موردی تحلیل دیدگاه آمنه ودود و اسما بارلاس)

فاطمه لطف آبادی بیدگلی^۱ تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۲۲

محمدحسن صانعی پور^۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۰۶

حمیدرضا فهیمی تبار^۳

چکیده

از نیمه دوم قرن بیستم، جریان‌های نوگرا با رویکردهای هرمنوتیکی، تاریخی و زبان‌شناختی به بازخوانی مفاهیم جنسیتی در قرآن پرداخته و تفاسیر سنتی را مورد بازبینی قرار داده‌اند. مفهوم «ضرب» در آیه ۳۴ سوره نساء از موضوعات مناقشه‌برانگیز است که در تفاسیر سنتی (مانند رساله بدیعه علامه حسینی طهرانی) به مثابه ابزار تربیتی مشروط و در دیدگاه‌های نوگرا (آمنه ودود و اسما بارلاس) به شکل کنشی غیرخوشنوت‌آمیز تفسیر شده است. با وجود مطالعات متعدد، اغلب پژوهش‌ها فاقد تحلیل تطبیقی میان رویکردهای سنتی و نوگرا بوده‌اند و منابعی مانند رساله بدیعه با ظرفیت‌های اجتهادی، عرفانی و تربیتی کمتر بررسی شده‌اند. این پژوهش با هدف تحلیل انتقادی و تطبیقی دیدگاه‌های منتخب از دو جریان تفسیری، امکان ارائه قرائتی متوازن، اخلاق‌محور و غیرخوشنوت‌آمیز از واژه «ضرب» در چارچوب روابط خانوادگی را ارزیابی می‌کند. روش پژوهش، نظری-تحلیلی و مبتنی بر تحلیل گفتمان و مطالعه تطبیقی است که به صورت اسنادی و کتابخانه‌ای انجام گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که علی‌رغم تفاوت‌های روش‌شناختی، دیدگاه‌های مورد بررسی در پرهیز از خوشنوت‌خانگی، حفظ کرامت انسانی زوجین و هدف اصلاحی-تربیتی آیه هم‌گرا هستند. این هم‌گرایی زمینه‌ای برای چارچوب تلفیقی اخلاق‌محور فراهم می‌آورد که با مبانی سنتی شیعی سازگار و پاسخ‌گوی دغدغه‌های عدالت جنسیتی معاصر است.

کلیدواژه‌ها: آمنه ودود، آیه ۳۴ نساء، اسما بارلاس، حسینی طهرانی، ضرب.

۱. طلبه سطح ۴ تفسیر تطبیقی، مرکز مدیریت حوزه علمیه خاوران، مرکز تربیت مدرس صدیقه کبری، قم، ایران (نویسنده مسئول): f.lotf@chmail.ir

۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه کاشان، ایران: mhsaneipour@kashanu.ac.ir

۳. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه کاشان، ایران: fahimitabar@kashanu.ac.ir

۱. مقدمه و بیان مسئله

آیه ۳۴ سوره نساء از آیات چالش برانگیز قرآن کریم است که مفهوم «ضرب» را در بستر قوامیت، نشوز و تربیت دینی مطرح می‌سازد. این واژه در تفاسیر سنتی عمدتاً به عنوان ابزار تنبیه بدنی و نظم خانوادگی تفسیر شده است؛ در حالی که از نیمه دوم قرن بیستم، جریان فمینیسم اسلامی با تکیه بر عدالت جنسیتی، الهیات رهایی بخش و هرمنوتیک انتقادی، قرائت‌های متفاوتی از آن ارائه داده است.

این مقاله با هدف تحلیل انتقادی این قرائت‌ها و سنجش میزان انطباق آن‌ها با مبانی متنی قرآن و سنت تفسیری شیعه، به بررسی تطبیقی دیدگاه‌های آمنه ودود، اسما بارلاس و علامه حسینی طهرانی در رساله «بدیعه» می‌پردازد. پرسش اصلی مقاله آن است که آیا امکان تلفیق رویکردهای سنتی و فمینیستی در تفسیر واژه «ضرب» وجود دارد؟

فرضیه پژوهش بر این مبناست که تفسیر علامه طهرانی با حفظ اصول اجتهادی، عرفانی و تربیتی، ظرفیت پاسخ‌گویی به نیازهای معرفتی انسان معاصر را دارد و می‌تواند در تعامل با رویکردهای نوین، به ارائه چارچوبی متوازن و اخلاق‌محور منجر شود. روش تحقیق، نظری-تحلیلی و مبتنی بر مطالعه تطبیقی و تحلیل گفتمان است که با تمرکز بر منابع اصلی و تفاسیر معتبر، به آزمون این فرضیه خواهد پرداخت.

برای بسترسازی فهم دقیق‌تر مطالب مقاله، مفاهیم کلیدی همچون «ضرب»، «قوامیت»، «نشوز»، «فمینیسم اسلامی»، «اجتهاد شیعی» و نام مفسران اصلی (ودود^۱، بارلاس^۲، طهرانی) در بخش نخست مقاله تعریف و تحلیل خواهند شد. چارچوب نظری مقاله نیز بر اساس دو جریان تفسیری شکل گرفته است: نخست، رویکرد سنتی شیعی با محوریت عقلانیت، عرفان و اصول فقهی؛ دوم، رویکرد فمینیستی با تأکید بر عدالت جنسیتی، نقد ساختارهای مردسالارانه و روش‌های زبان‌شناختی.

نواوری این مقاله در سه محور قابل طرح است: نخست، تمرکز بر رساله «بدیعه» به عنوان منبعی کمتر بررسی شده در مطالعات جنسیتی قرآن؛ دوم، نقد روش‌شناسی‌های نوین از منظر اصول اجتهادی شیعه و

¹ Amina Wadud

² Asma Barlas

سوم، پیشنهاد چارچوبی اخلاق محور برای تفسیر واژه «ضرب» که بتواند در بستر روابط خانوادگی، هم با مبانی سنتی سازگار باشد و هم پاسخ‌گوی پرسش‌های تفسیری روز باشد.

۲. اهداف و پرسش‌های تحقیق

۲-۱. اهداف تحقیق

۲-۱-۱. هدف اصلی

ارزیابی امکان دستیابی به قرائتی متوازن، اخلاق محور و غیرخشونت‌آمیز از مفهوم «ضرب» در آیه ۳۴ سوره نساء از طریق تحلیل انتقادی و تطبیقی تفسیرهای فمینیستی آمنه ودود و اسما بارلاس با رویکرد علامه سید محمدحسین حسینی طهرانی در رساله بدیعه.

۲-۱-۲. اهداف فرعی

۱. بررسی و مقایسه مبانی زبان‌شناختی، هرمنوتیکی و تاریخی تفسیرهای آمنه ودود و اسما بارلاس با مبانی اجتهادی و تربیتی علامه حسینی طهرانی.
۲. شناسایی و تحلیل هم‌گرایی‌ها و تفاوت‌های دیدگاه علامه حسینی طهرانی با تفسیرهای فمینیستی آمنه ودود و اسما بارلاس در فهم «ضرب» در آیه ۳۴ سوره نساء.
۳. ارزیابی ظرفیت‌ها و محدودیت‌های دیدگاه‌های آمنه ودود و اسما بارلاس از منظر رساله بدیعه علامه حسینی طهرانی.
۴. بررسی ظرفیت‌ها و چالش‌های رساله بدیعه در تعامل با رویکردهای فمینیستی نوین و پاسخ‌گویی به نیازهای معرفتی معاصر.
۵. تدوین چارچوب تلفیقی اخلاق محور برای تفسیر «ضرب» سازگار با مبانی سنتی شیعی و پاسخ‌گو به دغدغه‌های عدالت جنسیتی معاصر.

۲-۲. پرسش‌های تحقیق

۲-۲-۱. پرسش اصلی

تحلیل انتقادی و تطبیقی تفسیرهای فمینیستی آمنه ودود و اسما بارلاس از مفهوم «ضرب» در آیه ۳۴ سوره نساء، با تمرکز بر دیدگاه علامه سید محمدحسین حسینی طهرانی در رساله بدیعه، چگونه امکان دستیابی به قرائتی متوازن، اخلاق محور و غیرخشونت آمیز در چارچوب روابط خانوادگی را فراهم می سازد؟

۲-۲-۲. پرسش های فرعی

۱. مبانی تفسیری آمنه ودود، اسما بارلاس و علامه حسینی طهرانی از واژه «ضرب» چیست؟
۲. نقاط اشتراک و افتراق دیدگاه علامه سید محمدحسین حسینی طهرانی و تفسیرهای فمینیستی آمنه ودود و اسما بارلاس در فهم واژه «ضرب» کدام اند؟
۳. ظرفیت ها و محدودیت های دیدگاه های ودود و بارلاس از منظر رساله بدیعه چیست؟
۴. نقاط قوت و ضعف رساله بدیعه علامه حسینی طهرانی از منظر تعامل با رویکردهای فمینیستی نوین و پاسخ گویی به نیازهای معرفتی معاصر کدام اند؟
۵. چارچوب تلفیقی و اخلاق محور پیشنهادی برای تفسیر «ضرب» که با مبانی سنتی شیعی سازگار و پاسخ گوی دغدغه های عدالت جنسیتی معاصر باشد، چگونه تدوین می شود؟

۳. پیشینه تحقیق

از نیمه دوم قرن بیستم، جریان فمینیسم اسلامی با تمرکز بر عدالت جنسیتی و بازخوانی هرمنوتیکی متون دینی شکل گرفت و تفسیر آیات مرتبط با زنان، به ویژه آیه ۳۴ سوره نساء را مورد توجه قرار داد. منصورنژاد (۱۳۸۱) در مقاله «زن، اسلام و فمینیسم»، تفاوت های جنسیتی را عمده تاً جسمانی دانسته و تفاوت فطری را فاقد دلیل قطعی می داند. شهید مطهری در نظام حقوق زن در اسلام، بر نقش خانوادگی زن و حفظ نهاد خانواده در چارچوب اسلامی تأکید کرده است.

هدایت الله (۱۳۹۸) در حاشیه های فمینیستی قرآن، روش شناسی های تفسیری فمینیستی (تاریخی، درون متنی و توحیدی) را بررسی کرده و دیدگاه های مفسرانی چون ودود، بارلاس و رفعت حسن را با تأکید بر چالش قوامیت در ادعای برابری جنسیتی نقد کرده است. موسوی، عباسی و مهریزی (۱۴۰۱) قوامیت را از منظر تفسیرهای زنانه (ودود، بارلاس) و مردانه (طباطبایی، جوادی آملی و مطهری) مقایسه کرده و برداشت های غیرجانبدارانه مفسران شیعی را برجسته ساخته اند. حسین زاده و عباسیان (۱۳۹۴) مبانی فکری

فمینیسم اسلامی را همراه با نقدهای آن تبیین کرده‌اند. هدایت‌زاده و پیروزفر (۱۴۰۱) دیدگاه بارلاس دربارهٔ واژگان کلیدی آیه ۳۴ نساء را تحلیل نموده‌اند و پایان‌نامهٔ افراز (۱۴۰۱) دیدگاه ودود را نقد کرده است. با وجود این مطالعات، پژوهش‌های موجود اغلب یا بر نقد کلی فمینیسم اسلامی تمرکز داشته‌اند یا دیدگاه‌های فمینیستی را به صورت مستقل بررسی کرده‌اند و کمتر به تحلیل تطبیقی عمیق میان رویکرد سنتی شیعی و تفسیرهای نوگرای فمینیستی پرداخته‌اند. به‌ویژه، رسالهٔ بدیعه علامه سید محمدحسین حسینی طهرانی - علاوه بر مباحث تفسیری با ظرفیت‌های اجتهادی، روایی، عرفانی و تربیتی - در مطالعات جنسیتی قرآن کمتر مورد توجه قرار گرفته است. پژوهش حاضر با تحلیل تطبیقی و انتقادی دیدگاه‌های آینه ودود و اسما بارلاس از واژه «ضرب» در پرتو رسالهٔ بدیعه، این شکاف دانشی را پر کرده و چارچوبی اخلاق‌محور و تلفیقی برای خوانشی متوازن پیشنهاد می‌دهد.

۴. تحلیل مفهومی واژه‌های بنیادین

۴-۱. ضرب

واژه «ضرب» با ریشه «ض-رب» در زبان عربی، از واژگان چندمعنایی و پرکاربرد است که در قالب‌های فعلی و اسمی، در حوزه‌های فیزیکی، اجتماعی، اقتصادی، زیستی و فقهی به کار رفته و در هر زمینه، دلالت معنایی خاصی یافته است. منابع لغوی کلاسیک، معانی متعددی برای آن ثبت کرده‌اند؛ از جمله: محکم‌سازی جلد کتاب، ضرب سکه و طلا، ساخت انگشتر، نصب و اقامه، نیش‌زنی، خفه‌سازی، تپش جنین، اختلال در امور، جهش برق، کشیدن شمشیر، سفر، اعطای قرض، شتاب‌گیری، تحقیر و بازداشتن (ابن منظور، ۱۳۸۸: ۹/۱-۵۴۳؛ فراهیدی، ۱۴۱۰: ۷/۳۰).

راغب اصفهانی، لغوی قرن هفتم هجری، معنای بنیادین «ضرب» را «زدن فیزیکی» معرفی کرده و آن را خاستگاه گسترش‌های معنایی بعدی دانسته است (راغب، ۱۴۱۹: ۲/۵۰۵). در مقابل، ابن منظور و فراهیدی، بدون تمرکز بر تقدم معنای فیزیکی، کاربردهای واژه را در زمینه‌هایی چون تجارت، حرکت در زمین، جهاد، عبادات و امور اجتماعی و فنی گسترش داده‌اند (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۷/۳۰؛ ابن منظور، ۱۳۸۸: ۱/۵۴۵۶). ابن منظور در لسان العرب با رویکردی ساختاری و استنادی، معانی واژه را با آیات قرآنی و روایات نبوی مستند ساخته و حتی به کاربرد آن در حوزهٔ زیستی اشاره کرده است. از جمله، تعبیر «ضرب

الجمال» برای لقاح اجباری شتر ماده به کار رفته و در روایتی از پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) این عمل نهی شده است (ابن منظور، ۱۳۸۸: ۱/ ۵۴۶). همچنین، واژه «ضعیف الضوارب» برای شتری به کار رفته که پس از لقاح، از شیر دادن امتناع می ورزد و خود را از دوشیدن دور نگه می دارد؛ معنایی که بر عنصر اکراه و امتناع در رفتار دام تأکید دارد (ابن منظور، ۱۳۸۸: ۱/ ۵۴۵).

برآیند این بررسی ها، گستره معنایی واژه «ضرب» را در منابع لغوی کلاسیک آشکار می سازد؛ واژه ای که فواتر از معنای فیزیکی «زدن»، در طیفی وسیع از کنش ها و مفاهیم فرهنگی، اجتماعی و دینی حضور دارد. این تنوع، اهمیت توجه به سیاق، ساختار نحوی و زمینه فرهنگی را در ترجمه و تفسیر واژگان قرآنی و متون عربی برجسته می سازد.

۲-۴. آیه ۳۴ سوره نساء^۱

این آیه از مهم ترین آیات مرتبط با ساختار خانواده در قرآن کریم است که مفاهیم قوامیت، نشوز و اصلاح رفتاری را در قالب سه مرحله (موعظه، هجرت در بستر، ضرب) بیان می کند. پیچیدگی های زبانی و تفسیری این آیه، آن را به یکی از نقاط تمرکز در مطالعات فقهی، تفسیری و جنسیتی تبدیل کرده است.

۳-۴. فمینیسم اسلامی

جریانی فکری-اجتماعی است که از اواخر قرن بیستم شکل گرفته و با تکیه بر اصولی چون عدالت جنسیتی، کرامت انسانی و الهیات رهایی بخش، به بازخوانی مفاهیم دینی از منظر زنان می پردازد. این جریان تلاش دارد تا با بهره گیری از روش های هرمنوتیکی، تاریخی و زبان شناختی، تفاسیر مردسالارانه را به چالش بکشد و قرائت های اخلاق محور و غیرخشونت آمیز ارائه دهد. فمینیسم اسلامی با بازخوانی متون دینی، تلاش دارد نگاهی زن محور به آموزه های اسلامی ارائه دهد و از دل سنت، امکان تحقق عدالت جنسیتی را بررسی کند. برخی پژوهشگران آن را مجموعه ای از روش ها و کنش ها در چارچوب ارزش های اسلامی تعریف کرده اند (منصورنژاد، ۱۳۸۱: ۲۶۶)، اما به دلیل فقدان تبیین معرفت شناختی و روش شناسی، این تعریف ناکافی تلقی می شود. تعریف دقیق تر آن، «تفسیر زن محور از اسلام» است که در آن زنان مسلمان با بهره گیری از منابع

^۱ الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالْصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَاللَّاتِي تَحَافُونَ دُشُورَهُنَّ فِعْظُهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَصَاحِجِ وَاصْبِرْنَ لَهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا.

دینی، نقش اجتماعی خود را بازسازی می‌کنند. فمینیسم اسلامی، گرایشی نوین در دفاع از حقوق زنان در جوامع اسلامی است که با تکیه بر تفسیر زن‌محور از اسلام، تلاش می‌کند آرمان‌های برابری‌طلبانه را در چارچوب فرهنگ دینی دنبال کند. این رویکرد، دین را مهم‌ترین عنصر فرهنگی در کشورهای اسلامی می‌داند و تحقق اهداف خود را در گرو تعامل با مباحث درون‌دینی می‌بیند، هرچند آموزه‌های دینی را منشأ مستقیم این حرکت تلقی نمی‌کند. در این انگاره، ادبیات دینی به‌عنوان زمینه‌ای برای طرح مسائل فمینیستی به‌کار گرفته می‌شود.

فمینیسم اسلامی در ایران، به‌ویژه پس از انقلاب، نمایانگر تلاش‌های علمی، نظری و سیاسی زنان برای اصلاح و بازسازی مفاهیم جنسیتی از منظر دینی تلقی شده است (شورای عالی حوزه علمیه، ۱۳۸۲: ۲۹). عده‌ای معتقدند که پسوند اسلامی پس از واژه فمینیسم نشان‌گر تفسیری فمینیستی از اسلام است نه تلاش برای دفاع از حقوق زنان بر اساس آموزه‌های اسلامی؛ و برخی نیز در واژه فمینیسم اسلامی به دنبال یک تناقض هستند؛ به این معنا که فمینیست بودن با اسلام قابل جمع نیست و همان‌گونه که مارکسیسم اسلامی در دهه‌های گذشته معنا نداشت و تناقض‌نما بود، فمینیسم اسلامی نیز معنا ندارد؛ زیرا اساساً مبانی فمینیسم ضد دین، ضد خانواده و الحادی است (میراحمدی و پاک‌رو، ۱۴۰۲: ۱۵).

۴-۴. آینه و دود

از مفسران برجسته فمینیسم اسلامی است که در آثار خود مانند قرآن و زن: بازخوانی متن مقدس از دیدگاه زنانه و درون جهاد جنسیتی: اصلاحات زنان در اسلام، با تأکید بر رحمت، عدالت و کرامت انسانی، واژه «ضرب» را به‌عنوان کناره‌گیری عاطفی یا هشدار غیرخشونت‌آمیز تفسیر کرده است. (Wadud, 1992: 76) روش‌شناسی او مبتنی بر تحلیل درون‌متنی، بافت‌مندسازی تاریخی و توجه به تجربه زیسته زنان مسلمان است.

۴-۵. اسما بارلاس

بارلاس از نظریه‌پردازان مهم فمینیسم اسلامی است که در کتاب زنان مؤمن در اسلام: بازخوانی تفاسیر مردسالارانه قرآن با نقد سنت پدرسالار و تحلیل زبان‌شناختی قرآن، تلاش کرده است تا ساختار قدرت در خانواده را بازتعریف کند. او واژه «ضرب» را نه به‌عنوان خشونت، بلکه به‌عنوان کنش بازدارنده یا قضایی تفسیر می‌کند و بر انسجام درون‌متنی قرآن و اصول رحمت و عدالت تأکید دارد- (Barlas, 2019: 62)

(۶۳) بارلاس روش سنتی تفسیر قرآن را خطی و جزءنگرانه می‌داند که از نگاه سیاقی به آیات قرآن و فهم ارتباط میان درون‌مایه‌های قرآن غافل بوده است. پس برای رهایی از این اشکال، هرمنوتیک قرآنی پیشنهادی خود را مطرح می‌کند که در آن با یک نگاه کلی به آیات قرآن، سه بعد توحید، عدل و غیرقابل قیاس بودن خودافشایی خداوند را برای خوانش‌های آزادی‌بخش از قرآن ضروری می‌داند (میراحمدی و پاک‌رو، ۱۴۰۲: ۱۸).

۴-۶. علامه سید محمدحسین حسینی طهرانی

مفسر برجسته شیعه و صاحب رساله «بدیعه» است که با بهره‌گیری از اصول اجتهادی، عرفان اسلامی و تحلیل روان‌شناختی، تفسیری تربیتی و چندلایه از واژه «ضرب» ارائه می‌دهد. او به‌جای تأکید بر خشونت، بر مفاهیمی چون بازدارندگی اخلاقی، هدایت تدریجی و انصراف عاطفی تمرکز دارد و تلاش می‌کند تا با حفظ مبانی سنتی، به نیازهای معرفتی انسان معاصر پاسخ دهد (حسینی طهرانی، ۱۴۳۴: ۸۱-۸۲).

۵. روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع نظری-تحلیلی و دارای رویکرد تطبیقی است که با هدف بررسی و نقد دیدگاه‌های فمینیستی درباره واژه «ضرب» در آیه ۳۴ سوره نساء، با تأکید بر تفسیر علامه سید محمدحسین حسینی طهرانی در رساله «بدیعه» صورت گرفته است. ابتدا مبانی تفسیری علامه طهرانی، شامل استدلال‌های عقلی، نقلی، عرفانی و تربیتی درباره مفهوم «ضرب» استخراج و تحلیل شده است؛ رویکردی که برخاسته از سنت تفسیری شیعه و بر پایه اصول اجتهادی شکل گرفته است.

در مرحله بعد، دیدگاه‌های فمینیستی از جمله آثار آمنه ودود، اسما بارلاس و دیگر مفسران زن مسلمان مورد بررسی قرار گرفته‌اند. این دیدگاه‌ها با تکیه بر مبانی عدالت جنسیتی، الهیات رهایی‌بخش و روش‌های هرمنوتیکی، تفسیری غیرخشونت‌آمیز از واژه «ضرب» ارائه کرده‌اند. در نهایت، با بهره‌گیری از روش تحلیل تطبیقی، نقاط افتراق و اشتراک دو رویکرد با توجه به مبانی نظری و روش‌شناسی بررسی شده است تا زمینه‌ای علمی برای سنجش اعتبار و انسجام هر دیدگاه فراهم گردد.

۶. یافته‌های تحقیق

۱-۶. امکان تلفیق رویکردهای سنتی شیعی و فمینیستی در تفسیر مفهوم «ضرب» در آیه ۳۴ سوره

نساء

تحلیل انتقادی و تطبیقی دیدگاه‌های آینه ودود و اسما بارلاس (نمایندگان تفسیرهای فمینیستی اسلامی) با رویکرد علامه سید محمدحسین حسینی طهرانی در رساله بدیعه، نشان‌دهنده امکان دستیابی به قرائتی متوازن، اخلاق‌محور و غیرخشونت‌آمیز از مفهوم «ضرب» است. این تحلیل، ضمن شناسایی هم‌گرایی در اصول بنیادین (پرهیز از خشونت، حفظ کرامت انسانی زوجین و هدف اصلاحی-تربیتی آیه)، تفاوت‌های روش‌شناختی را برجسته می‌سازد و زمینه‌ای برای تلفیق سازنده فراهم می‌کند.

دیدگاه‌های فمینیستی با تمرکز بر عدالت جنسیتی و هرمنوتیک انتقادی، «ضرب» را کنشی کاملاً غیرفیزیکی تفسیر می‌کنند و آن را با بافت تاریخی عصر نزول (محدودسازی خشونت‌های مرسوم جاهلی) و انسجام درون‌متنی قرآن (اصول رحمت و برابری) سازگار می‌دانند. در مقابل، رساله بدیعه با استناد به مبانی اجتهادی شیعه (روایات، قواعد اصولی و شأن نزول)، این واژه را راهکاری تربیتی، مشروط و محدود بدون مجوز خشونت مُبرَح یا سوءاستفاده می‌داند که هدف آن حفظ نظام خانواده است.

این تطبیق انتقادی تأیید می‌کند که تفاوت‌ها (اولویت هرمنوتیک مدرن در فمینیسم در برابر سنت روایی-اصولی در رویکرد شیعی) مانع هم‌گرایی کامل نیست؛ بلکه فرصتی برای قرائتی تلفیقی ایجاد می‌کند. رساله بدیعه ظرفیت تعامل با دغدغه‌های فمینیستی را نشان می‌دهد؛ مانند تأکید مشترک بر رحمت و اصلاح، هرچند ممکن است نیازمند بازخوانی پویا برای پاسخ به زمینه‌های معاصر باشد. رویکردهای فمینیستی نیز با قوت در تحلیل زبان‌شناختی، می‌توانند مکمل مبانی سنتی باشند، بدون اینکه از اصول قرآنی فاصله گیرند. این تحلیل، امکان قرائتی متوازن را فراهم می‌سازد که خشونت را به‌طور مؤثر رد کند، ساختار سه‌گانه آیه را با اولویت روش‌های مسالمت‌آمیز حفظ نماید و عدالت خانوادگی را بر پایه مسئولیت متقابل تقویت نماید. نوآوری پژوهش در پیشنهاد مدل تلفیقی اخلاق‌محور است که هم با سنت تفسیری شیعه سازگار است و هم به نیازهای جنسیتی معاصر پاسخ می‌دهد. این امکان تلفیق در پاسخ به پرسش‌های فرعی ۱ تا ۵ بررسی شده است.

۲-۶. مبانی تفسیری ودود، بارلاس و علامه حسینی طهرانی

مبانی تفسیری آمده و دود بر تحلیل زبان‌شناختی و تاریخی استوار است. وی با استناد به کاربردهای متعدد واژه «ضرب» در قرآن (مانند ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا) و فرهنگ‌های لغت کلاسیک مانند لسان‌العرب، بر چندمعنایی این واژه تأکید دارد و معنای فیزیکی را در سیاق آیه ۳۴ سورة نساء رد می‌کند. از دیدگاه وی، آیه در مقام محدودسازی خشونت‌های مرسوم در جامعه جاهلی عمل کرده و تفسیر فیزیکی با جوهره رحمت و عدالت قرآن در تعارض است (Wadud, 1992: 76; Wadud, 2006: 200-203).

مبانی تفسیری اسما بارلاس بر هرمنوتیک توحیدی و انسجام درون‌متنی قرآن متکی است. وی با بررسی ریشه‌شناختی واژه «ضرب» در عربی کلاسیک، استدلال می‌کند که این فعل بدون حرف اضافه «بِ» دلالت ذاتی بر زدن فیزیکی ندارد و تفسیر خشونت‌آمیز با اصول توحید، عدالت و رحمت الهی ناسازگار است (Barlas, 2019: 60-61).

مبانی تفسیری علامه حسینی طهرانی در رساله بدیعه بر قواعد اصولی شیعه (تخصیص عموم قصاص، تقدم خاص بر عام، مفهوم موافق) و روایات معتبر اهل بیت (علیهم‌السلام) استوار است. وی «ضرب» را راهکاری تربیتی، مشروط، غیرمُبرح (بدون جراحت یا آسیب جدی)، با هدف اصلاح و به‌عنوان آخرین مرحله پس از موعظه و هجر در بستر تفسیر می‌کند (کلینی، ۱۳۶۷: ۵/۵۰۹-۵۱۰؛ طباطبایی، ۱۳۷۸: ۴/۳۵۱؛ حسینی طهرانی، ۱۴۳۴: ۸۱-۸۳).

یکی از مبانی تاریخی مورد استناد علامه، روایت شأن نزول آیه است. این روایت به ماجرای سعد بن ربیع انصاری (از اشراف انصار) و همسرش حبیبه بنت زید مربوط می‌شود. سعد به دلیل نشوز همسرش به صورت وی سیلی زد. همسر همراه پدر یا برادرش نزد پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) شکایت برد. پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) ابتدا فرمود: «لها القصاص» (او حق قصاص دارد). سپس آیه ۳۴ سورة نساء نازل شد و راهکارهای سه‌گانه (موعظه، هجر در بستر و ضرب مشروط) صادر گردید که این امر را تخصیص حکم عام قصاص در موارد خاص نشوز زن تفسیر می‌کنند (واحدی، ۱۴۱۱: ۱/۱۵۶؛ ابن‌کثیر، ۱۴۱۲: ۲/۲۵۶). این روایت زمینه تاریخی برای درک آیه به‌عنوان مکانیسمی محدودکننده خشونت‌های جاهلی فراهم می‌آورد. با این حال، در سنت اجتهادی شیعه - به‌ویژه نزد علامه طباطبایی - این روایت با تفهیم‌های اصولی مواجه است؛ زیرا پذیرش آن به‌معنای تخطئه ظاهری پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در حکم اولیه است و با اصل عصمت منافات دارد. همچنین، حکم اولیه قضایی رسمی نبوده، بلکه پاسخ به سؤال بوده است (طباطبایی،

۱۳۷۸: ۴/ ۳۵۱). علامه حسینی طهرانی با بهره‌گیری انتقادی از این روایت، آن را شاهی بر محدودیت شدید «ضرب» می‌داند و با روایات نهی از خشونت مانند «آیا جای تعجب نیست که کسی همسرش را بزند و آن‌گاه با او دست به گردن شود؟» هماهنگ می‌سازد (کلینی، ۱۳۶۷: ۵/ ۵۰۹؛ حسینی طهرانی، ۱۴۳۴: ۸۳-۸۲). این رویکرد روایت را نه به‌عنوان مجوز خشونت، بلکه به‌عنوان تأکید بر هدف اصلاحی و حفظ کرامت انسانی زوجین بازخوانی می‌کند.

جدول ۱: مقایسه مبانی تفسیری

دیدگاه	مبانی زبان‌شناختی	مبانی هرمنوتیکی/درون‌متنی	مبانی تاریخی/اجتهادی	رویکرد به «ضرب»
آمنه ودود	چندمعنایی واژه در قرآن و لغت‌نامه‌ها	تناقض خشونت با روح قرآن	محدودسازی خشونت جاهلی	کاملاً غیرفیزیکی
اسما بارلاس	عدم دلالت ذاتی بدون «پ»	انسجام توحیدی و عدالت	عربی کلاسیک و سنت پیامبر	غیرفیزیکی (ارجاع قضایی یا جدا شدن)
علامه حسینی طهرانی	سیاق روابط خانوادگی	هدف تربیتی مشروط	روایات اهل بیت (ع) و بهره‌گیری انتقادی از شأن نزول	تربیتی محدود، غیرمُبرح، آخرین راهکار

این مقایسه مبانی تفسیری نشان می‌دهد که رویکردهای فمینیستی آمنه ودود و اسما بارلاس در تحلیل زبان‌شناختی و هرمنوتیکی-درون‌متنی قوی هستند و زمینه‌ای برای تفسیر غیرفیزیکی «ضرب» فراهم می‌آورند. در مقابل، رویکرد اجتهادی شیعی علامه حسینی طهرانی با استناد روایی معتبر و بهره‌گیری انتقادی از شأن نزول، محدودیت عملی بیشتری برای پرهیز از خشونت ایجاد می‌کند و ظرفیت تلفیق این مبانی را برای قرائتی اخلاق‌محور و معاصر تأیید می‌نماید.

۳-۶. نقاط اشتراک و افتراق دیدگاه علامه حسینی طهرانی با تفسیرهای فمینیستی آمنه ودود و اسما بارلاس در فهم واژه «ضرب»

بررسی تطبیقی دیدگاه‌های علامه سید محمدحسین حسینی طهرانی در رساله بدیعه با تفسیرهای آمنه ودود و اسما بارلاس، نقاط اشتراک و افتراقی را در سطوح اخلاقی، تفسیری و روش‌شناختی آشکار می‌سازد. در مقایسه با رساله بدیعه، نقاط اشتراک با آمنه ودود، تأکید مشترک بر حفظ کرامت انسانی و عدالت در روابط زناشویی است. هر دو دیدگاه همچنین به بافت تاریخی نزول آیه به‌عنوان مکانیسمی محدودکننده خشونت‌های جاهلی توجه دارند. هدف اصلاحی و تربیتی آیه را در راستای حفظ بنیان خانواده بدون مجوز خشونت اولویت می‌دهند. تفسیر را با مقاصد کلی شریعت مانند رحمت و عدالت الهی سازگار می‌دانند. روش‌های میانجی‌گری و گفتگو را در حل اختلافات زناشویی ترجیح می‌دهند (حسینی طهرانی، ۱۴۳۴ق: ۸۳-۸۱؛ Wadud, 1992: 76; Wadud, 2006: 203).

در مقایسه با رساله بدیعه، نقاط اشتراک با اسما بارلاس شامل توجه به سیاق آیات و انسجام درون‌متنی قرآن است. هر دو بر اصول بنیادین عدالت، رحمت و کرامت انسانی پای می‌فشارند. تفسیرهای خشونت‌آمیز را ناسازگار با روح کلی قرآن می‌دانند. برای ارائه خوانشی متعادل‌تر از برداشت‌های سنتی تلاش می‌کنند. راهکارهای مسالمت‌آمیز مبتنی بر حکمت و مصلحت خانوادگی را اولویت می‌بخشند (حسینی طهرانی، ۱۴۳۴ق: ۸۳-۸۱؛ ۲۲۱-۲۲۲؛ Barlas, 2019: 60-63).

در مقایسه با رساله بدیعه، نقاط افتراق عمدتاً در ابعاد زبان‌شناختی، روش‌شناختی و ساختاری-تفسیری ریشه دارد. از منظر زبان‌شناختی، ودود و بارلاس با استناد به چندمعنایی واژه «ضرب» و عدم دلالت ذاتی آن بر معنای فیزیکی بدون حرف اضافه «بِ»، هرگونه برداشت فیزیکی را رد می‌کنند (Wadud, 1992: 76; Barlas, 2019: 60-61). رساله بدیعه با تمرکز بر سیاق خاص روابط خانوادگی، دلالت تأدیب بدنی را هرچند با قیود شدید (غیرمُبرح و بدون جراحت یا آسیب جدی) متبادر می‌داند (حسینی طهرانی، ۱۴۳۴: ۸۱).

از منظر روش‌شناختی، رویکردهای فمینیستی بر هرمنوتیک انتقادی مدرن و تحلیل درون‌متنی-تاریخی استوار هستند (Wadud, 2006: 203; Barlas, 2019: 221). رساله بدیعه ضمن پذیرش مباحث لغوی،

اولویت را به استناد روایات معتبر اهل بیت (علیهم السلام)، شأن نزول و قواعد اصولی می‌دهد (حسینی طهرانی، ۱۴۳۴ق: ۸۲-۸۳).

از منظر ساختاری و تفسیری، ودود و بارلاس ساختار سه‌گانه آیه را با تفسیر غیرفیزیکی مرحله نهایی سازگار می‌دانند و آن را با منطق کلی قرآن در رد خشونت همخوان می‌شمارند (Wadud, 1992: 76; Barlas, 2019: 62-63). رساله بدیعه این ساختار را فرایند تدریجی حل تعارضات نشوز می‌داند که با قیود روایی و اصولی (غیرمُبرح، هدف اصلاحی، آخرین راهکار و حفظ وحدت خانواده) از سوءاستفاده جلوگیری می‌کند (حسینی طهرانی، ۱۴۳۴ق: ۸۱).

جدول ۱-۲: نقاط اشتراک دیدگاه‌های آینه ودود و اسما بارلاس با رساله بدیعه علامه حسینی طهرانی

محور مقایسه	آینه ودود با رساله بدیعه	اسما بارلاس با رساله بدیعه
پرهیز از خشونت خانگی	تأکید مشترک بر رحمت، عدالت و کرامت انسانی	تأکید مشترک بر رحمت، عدالت و کرامت انسانی
حفظ کرامت زوجین	اولویت مسئولیت متقابل و اصلاح رفتار	اولویت مسئولیت متقابل و اصلاح رفتار
هدف اصلاحی-تربیتی آیه	تفسیر کاملاً غیرفیزیکی و اصلاحی	تفسیر کاملاً غیرفیزیکی و اصلاحی
روش‌شناسی	هرمنوتیک انتقادی مدرن و تحلیل تاریخی	هرمنوتیک توحیدی بدون اولویت روایی
ساختار سه‌گانه آیه	مرحله نهایی غیرفیزیکی بدون قیود روایی	مرحله نهایی غیرفیزیکی (مانند ارجاع قضایی) بدون قیود روایی

جدول ۲-۲: نقاط افتراق دیدگاه‌های آینه ودود و اسما بارلاس با رساله بدیعه علامه حسینی طهرانی

محور مقایسه	افتراق دیدگاه آینه ودود با رساله بدیعه	افتراق دیدگاه اسما بارلاس با رساله بدیعه
	بدیعه	رساله بدیعه

پرهیز از خشونت خانگی	رد کامل معنای فیزیکی «ضرب»	رد کامل معنای فیزیکی «ضرب»
حفظ کرامت زوجین	تمرکز بر تحلیل تاریخی و هرمنوتیک مدرن	تمرکز بر هرمنوتیک توحیدی و انسجام درون متنی
هدف اصلاحی- تربیتی آیه	تفسیر کاملاً غیر فیزیکی و اصلاحی	تفسیر کاملاً غیر فیزیکی و اصلاحی
روش شناسی	هرمنوتیک انتقادی مدرن و تحلیل تاریخی	هرمنوتیک توحیدی بدون اولویت روایی
ساختار سه گانه آیه	مرحله نهایی غیر فیزیکی بدون قیود روایی	مرحله نهایی غیر فیزیکی (مانند ارجاع قضایی) بدون قیود روایی

این تحلیل تطبیقی نشان می‌دهد که نقاط اشتراک میان تفسیرهای فمینیستی آمنه ودود و اسما بارلاس با رساله بدیعه علامه حسینی طهرانی، عمدتاً در اصول اخلاقی بنیادین مانند پرهیز از خشونت، حفظ کرامت انسانی زوجین و هدف اصلاحی آیه ریشه دارد. این اشتراکات فرصت تعامل سازنده میان رویکرد اجتهادی شیعی و فمینیسم اسلامی را فراهم می‌سازند. در مقابل، نقاط افتراق عمدتاً در فهم زبان‌شناختی واژه «ضرب»، روش‌شناسی تفسیری و کاربرد عملی ساختار سه‌گانه آیه قرار دارد. این افتراقات از منظر رساله بدیعه، ضرورت حفظ پشتوانه روایی معتبر و قیود اصولی را برای محدودیت عملی و جلوگیری از سوءاستفاده برجسته می‌نمایند. در نتیجه، تلفیق انتقادی این دیدگاه‌ها می‌تواند به قرائتی متوازن و اخلاق‌محور معاصر منجر شود.

۴-۶. نقاط قوت و ضعف دیدگاه‌های آمنه ودود و اسما بارلاس از منظر رساله بدیعه علامه حسینی

طهرانی

ارزیابی نقاط قوت و ضعف دیدگاه‌های آمنه ودود و اسما بارلاس از منظر رساله بدیعه علامه سید محمدحسین حسینی طهرانی، تعادلی میان هم‌سوئی‌های اخلاقی و تفاوت‌های روش‌شناختی برقرار می‌کند. از منظر رساله بدیعه، تحلیل زبان‌شناختی آمنه ودود بر چندمعنایی واژه «ضرب» در قرآن و لغت‌نامه‌های کلاسیک مانند لسان‌العرب استوار است. این تحلیل زمینه مناسبی برای پرهیز از تفسیر فیزیکی فراهم می‌آورد

و با تأکید رساله بر هدف تربیتی و اصلاحی هم‌خوانی دارد (حسینی طهرانی، ۱۴۳۴ق: ۸۱؛ Wadud, 1992: 76). توجه و دود به بافت تاریخی نزول آیه و پویایی فهم متون دینی نیز مکمل بهره‌گیری انتقادی از شأن نزول در رساله است و به تقویت رحمت الهی کمک می‌کند. (Wadud, 2006: 203) با این حال، این دیدگاه سیاق خاص روابط خانوادگی را کمتر مورد توجه قرار می‌دهد و به رد کامل معنای تأدیب بدنی مشروط منجر می‌شود، در حالی که رساله این معنا را با قیود شدید (غیرمُبرح) محدود می‌سازد (حسینی طهرانی، ۱۴۳۴ق: ۸۱).

از منظر رساله بدیعه، رویکرد هرمنوتیکی توحیدی اسما بارلاس و تأکید وی بر انسجام درون‌متنی قرآن، با اصول عدالت و رحمت الهی هم‌راستا است. این رویکرد نقد مؤثری بر تفسیرهای خشونت‌آمیز ارائه می‌دهد و با پرهیز رساله از خشونت مُبرح هم‌سویی دارد (حسینی طهرانی، ۱۴۳۴ق: ۸۱-۸۳؛ Barlas, 2019: 60-63). با این حال، تحلیل ریشه‌شناختی بارلاس بر نیاز به حرف اضافه «ب» برای معنای فیزیکی، با شواهد سیاقی در رساله هم‌خوانی کامل ندارد و اولویت روایات معتبر اهل بیت (علیهم‌السلام) را کمتر لحاظ می‌کند (Barlas, 2019: 60-61).

از منظر روش‌شناختی، هر دو دیدگاه فمینیستی بر هرمنوتیک انتقادی مدرن تمرکز دارند و پشتوانه روایی را کمتر مورد توجه قرار می‌دهند، در حالی که رساله بدیعه اولویت را به روایات و قواعد اصولی می‌دهد (حسینی طهرانی، ۱۴۳۴ق: ۸۲-۸۳؛ Barlas, 2019: 60-63). از منظر ساختاری، تفسیرهای فمینیستی مرحله نهایی ساختار سه‌گانه آیه را کاملاً غیرفیزیکی می‌دانند، در حالی که رساله آن را با قیود روایی (آخرین راهکار و هدف اصلاح) محدود می‌سازد، هرچند هر دو اولویت روش‌های مسالمت‌آمیز را حفظ می‌کنند (حسینی طهرانی، ۱۴۳۴ق: ۸۱).

جدول ۳: نقاط قوت و ضعف دیدگاه‌های فمینیستی از منظر رساله بدیعه

محور ارزیابی	نقاط قوت	نقاط ضعف
زبان‌شناختی	تحلیل چندمعنایی و پرهیز از خشونت	کمتر توجه به سیاق روابط خانوادگی و دلالت تأدیب مشروط
روش‌شناختی	توجه به انسجام درون‌متنی و پویایی تفسیر	اولویت هرمنوتیک مدرن بدون پشتوانه روایی معتبر

تفسیری	تأکید بر عدالت، رحمت و هدف اصلاحی	رد کامل معنای فیزیکی بدون قیود روایی
ساختاری (سه‌گانه آیه)	اولویت روش‌های مسالمت‌آمیز	تفسیر غیرفیزیکی مرحله نهایی بدون قیود اصولی

این ارزیابی نشان می‌دهد که نقاط قوت دیدگاه‌های فمینیستی در تحلیل اخلاقی و درون‌متنی مکمل هستند. نقاط ضعف از منظر رسالهٔ بدیعه، نیاز به پشتوانهٔ روایی برای استحکام عملی را برجسته می‌نمایند.

۵-۶. نقاط قوت و ضعف رسالهٔ بدیعهٔ علامه حسینی طهرانی از منظر تعامل با رویکردهای فمینیستی نوین و نیازهای معرفتی معاصر

ارزیابی نقاط قوت و ضعف رسالهٔ بدیعه از منظر تعامل با رویکردهای فمینیستی نوین و نیازهای معاصر، تعادلی میان ظرفیت‌های اخلاقی-تربیتی آن و محدودیت‌های پویایی تفسیری برقرار می‌کند. **نقاط قوت:** رسالهٔ بدیعه بر محبت، عدالت و احترام متقابل در روابط زناشویی تأکید دارد. سیرهٔ عملی پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) را الگوی همسرمداری معرفی می‌کند. بر صبر، بردباری و پایداری در مواجهه با مشکلات زناشویی اصرار می‌ورزد. بر استفاده از مشاوره و داوری برای حل مسالمت‌آمیز اختلافات پای می‌فشارد. همچنین «ضرب» را راهکاری تربیتی، مشروط، محدود و غیرمُبرح در مرحلهٔ نهایی می‌داند. این رویکرد با دغدغه‌های فمینیستی در پرهیز از خشونت و حفظ کرامت انسانی زوجین هم‌سویی دارد و ظرفیت بالایی برای تعامل اخلاق‌محور فراهم می‌آورد (حسینی طهرانی، ۱۴۱۸ق: ۸۱-۸۳).

نقاط ضعف: رسالهٔ بدیعه قوامیت مرد را بر پایهٔ برخی برتری‌ها می‌پذیرد. این دیدگاه با اصول برابری جنسیتی در رویکردهای فمینیستی نوین فاصله دارد، هرچند تأکید بر مسئولیت متقابل ظرفیت تعامل دارد (حسینی طهرانی، ۱۴۳۴ق: ۸۱-۸۳). مشروعیت‌بخشی محدود به تأدیب فیزیکی، هرچند با قیود شدید، با استانداردهای حقوق بشر معاصر و منع مطلق خشونت خانگی در تعارض است، هرچند هدف اصلاحی آن پرهیز از سوءاستفاده را نشان می‌دهد.

تقسیم‌بندی زنان به صالحه و ناشزه، عاملیت و استقلال زن را کمتر مورد توجه قرار می‌دهد و با پیچیدگی‌های روان‌شناختی و جامعه‌شناختی روابط معاصر همخوانی کامل ندارد. رسالهٔ بدیعه به بافت تاریخی نزول آیه و

تفاوت‌های جامعه معاصر با صدر اسلام توجه کافی ندارد. این امر تفسیر را کمتر پویا می‌سازد. حل اختلافات را بیشتر به مرد واگذار می‌کند و نقش نهادهای اجتماعی و قضایی مدرن (مانند دادگاه‌های خانواده و مراکز مشاوره) را کمتر لحاظ می‌نماید (حسینی طهرانی، ۱۴۳۴ق: ۸۱-۸۳).

جدول ۴: نقاط قوت و ضعف رساله بدیعه از منظر فمینیستی نوین و نیازهای معاصر

محور ارزیابی	نقاط قوت	نقاط ضعف
اخلاقی و تربیتی	تأکید بر محبت، سیره پیامبر، صبر و میانجی‌گری	مشروعیت‌بخشی محدود به تأدیب فیزیکی، هرچند با قیود شدید
ساختاری (قوامیت و نشوز)	حفظ توازن حقوق و مسئولیت‌ها	پذیرش قیومیت مردانه و تقسیم‌بندی دوگانه زنان، با فاصله از برابری معاصر
پویایی تفسیری	هدف اصلاحی و پرهیز از خشونت مُبرَح	کمتر توجه به بافت تاریخی و تحولات اجتماعی معاصر
کاربردی (حقوقی- اجتماعی)	تشویق به حل مسالمت‌آمیز	کم‌توجهی به نهادهای مدرن حمایتی

این ارزیابی نشان می‌دهد که نقاط قوت رساله بدیعه در ابعاد اخلاقی-تربیتی ظرفیت تعامل با فمینیسم نوین را فراهم می‌آورند. نقاط ضعف نیز نیاز به بازخوانی پویا برای پاسخ‌گویی به نیازهای جنسیتی و حقوقی معاصر را برجسته می‌نمایند.

۶-۶. تدوین چارچوب تلفیقی و اخلاق‌محور برای تفسیر «ضرب» در آیه ۳۴ سوره نساء
تحلیل تطبیقی انجام‌شده در بخش‌های پیشین، امکان تدوین چارچوب تلفیقی اخلاق‌محور را تأیید می‌کند. این چارچوب بر پایه هم‌سوئی‌های اخلاقی دیدگاه‌های فمینیستی آمنه ودود و اسما بارلاس با رساله بدیعه علامه حسینی طهرانی استوار است و تفاوت‌های روش‌شناختی را به فرصتی مکمل تبدیل می‌نماید.

چارچوب پیشنهادی بر اصول زیر تدوین می‌شود:

۱. پایه اخلاقی مشترک بر پرهیز مطلق از خشونت خانگی و حفظ کرامت انسانی زوجین استوار است. این اصل از تأکید مشترک بر رحمت و عدالت الهی گرفته شده است (حسینی طهرانی، ۱۴۳۴: ۸۱-۸۳؛ Wadud, 2006: 203; Barlas, 2019: 221-222).

۲. تحلیل زبان‌شناختی و درون‌متنی فمینیستی با قیود روایی رساله بدیعه (غیرمُبرح، آخرین راهکار و هدف اصلاحی) تلفیق می‌شود تا تفسیر «ضرب» فاقد مجوز خشونت عملی باشد (حسینی طهرانی، ۱۴۳۴ق: ۸۱؛ Wadud, 1992: 76; Barlas, 2019: 60-61).

۳. ساختار سه‌گانه آیه با اولویت روش‌های مسالمت‌آمیز حفظ می‌شود و مرحله نهایی با تفسیر غیرفیزیکی یا قیود شدید روایی بازخوانی می‌گردد.

۴. پویایی تفسیری با توجه به بافت معاصر (برابری جنسیتی و منع خشونت خانگی) تقویت می‌شود، بدون اینکه از مبانی شیعی فاصله گرفته شود.

۵. مسئولیت متقابل زوجین برجسته می‌شود و نقش نهادهای مدرن حمایتی مکمل میانجی‌گری سنتی قرار می‌گیرد.

۷. نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش تأیید کرد که تحلیل انتقادی و تطبیقی تفسیرهای فمینیستی آمده و دود و اسما بارلاس از مفهوم «ضرب» در آیه ۳۴ سوره نساء، با تمرکز بر دیدگاه علامه سید محمدحسین حسینی طهرانی در رساله بدیعه، امکان دستیابی به قرائتی متوازن، اخلاق‌محور و غیرخشونت‌آمیز را فراهم می‌سازد. هم‌گرایی سه دیدگاه در اصول بنیادین پرهیز از خشونت خانگی، حفظ کرامت انسانی زوجین و هدف اصلاحی-تربیتی آیه، علی‌رغم تفاوت‌های روش‌شناختی، زمینه‌ای برای تعامل سازنده ایجاد می‌کند.

دیدگاه‌های فمینیستی در تحلیل زبان‌شناختی چندلایه و تأکید بر غیرخشونت مطلق قوت دارند؛ اما از منظر رساله بدیعه در استناد روایی و اصولی محدودیت نشان می‌دهند. رساله بدیعه با ظرفیت‌های اجتهادی و تربیتی بالا تفسیری انسان‌محور ارائه می‌دهد، هرچند نیازمند بازخوانی پویا برای پاسخ کامل به دغدغه‌های عدالت جنسیتی معاصر است. این تعامل نظری به تدوین چارچوبی تلفیقی-اخلاق‌محور منجر می‌شود که ضمن وفاداری به مبانی سنتی شیعی، پاسخ‌گوی نیازهای معاصر است.

نوآوری پژوهش در تمرکز بر رساله بدیعه به عنوان منبعی کمتر بررسی شده، نقد متعادل روش‌شناسی‌های نوین و پیشنهاد چارچوبی تلفیقی برای تفسیر «ضرب» نهفته است. پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده ظرفیت‌های دیگر منابع سنتی شیعه را در تعامل با قرائت‌های نوگرا بررسی کنند. همچنین، مطالعات میدانی از تأثیر این خوانش‌ها بر نگرش‌های خانوادگی در جوامع اسلامی می‌تواند پیوند میان تفسیر نظری و زیست مؤمنانه را تقویت نماید. این رویکرد به غنای گفتمان جنسیتی در تفسیر قرآن و استحکام نهاد خانواده بر پایه عدالت و رحمت الهی یاری می‌رساند.

۸. فهرست منابع

۱. ابن کثیر، اسماعیل، (۱۴۱۲ ق/ ۱۹۹۲ م)، تفسیر القرآن العظيم، یوسف عبدالرحمن المرعشلی، بیروت: دارالمعرفه للطباعة والنشر والتوزيع، جلد ۲.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۰۸ ق)، لسان العرب، علی شیری، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ اول، جلد ۱.
۳. حسینی طهرانی، محمدحسین، (۱۴۳۴ ق)، ترجمه رساله بدیعه در تفسیر آیه الرجال قوامون علی النساء...، ترجمه توسط چند تن از فضلاء، مشهد مقدس: علامه طباطبایی.
۴. دیلمی، حسن بن ابی الحسن، (۱۳۷۰)، إرشاد القلوب إلى الصواب المنجی من عمل به من أليم العقاب، تحقیق: السید هاشم المیلانی، قم: الشریف الرضی، چاپ اول، جلد ۱.
۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۳۷۴)، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن با تفسیر لغوی و ادبی قرآن، خسروی حسینی، غلامرضا، تهران: مرتضوی، چاپ اول.
۶. خندق‌آبادی، حسین، (۱۳۹۴)، «متن‌گرایی تاریخی؛ نگاهی به روش تفسیری آمنه ودود با تمرکز بر تفسیر آیه ۳۴ سوره النساء»، مطالعات زن و خانواده، شماره ۱۸، فروردین، صص ۴۱-۷۶.
۷. طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۷۸)، المیزان فی تفسیر القرآن، محمدباقر موسوی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم دفتر انتشارات اسلامی، جلد ۲۰.
۸. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۱۰ ق)، کتاب العین، محمد مخزومی و ابراهیم سامرائی، قم: دارالهجره، جلد ۷.

۹. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۷)، الکافی، علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه، جلد

۵.

۱۰. میراحمدی، عبدالله و پاکرو، زهرا، (۱۴۰۲)، «تقابل جایگاه زن در فمینیسم اسلامی و گزاره‌های

دینی (مطالعه موردی تحلیل دیدگاه اسماء بارلاس)»، دوفصلنامه علمی پژوهشی مطالعات

اندیشه معاصر مسلمین، شماره ۱۸، پاییز و زمستان، صص ۱۱-۳۲.

۱۱. واحدی، علی بن احمد، (۱۴۱۱ ق)، أسباب نزول القرآن، کمال بسیونی زغلول، بیروت: دارالکتب

العلمیه، جلد ۱.

12. Barlas, Asma, (2019), *Believing Women in Islam: Unreading Patriarchal Interpretations of the Qur'an*, 2nd ed., Austin: University of Texas Press.

13. Wadud, Amina, (1992), *Qur'an and Woman: Rereading the Sacred Text from a Woman's Perspective*, Oxford: Oxford University Press.

14. Wadud, Amina, (2006), *Inside the Gender Jihad: Women's Reform in Islam*, Oxford: Oxford University Press.